اقتصاد سرآمد

روزنامه

www.Eghtesadsaramad.ir

دوشنبه- ۲۶ آذر ۱۴۰۳-سال هشتم- شماره ۲۰۹۱ - قیمت: ۲۰۰۰۰تومان

@Eghtesadsaramad eghtesadsaramad

پزشکیان در ادامه جلسات اقتصاد دریامحور:

لزوم استفاده از تجربیات موفق جهانی برای نقشه راه مناطق آزاد و بنادر

۸

سرآمد منتشر می‌کند؛

«اقتصاد دریا» مسیر طلایی برای رسیدن به رشد اقتصادی

۶

گزارش سرآمد از برگزاری نشست توسعه دریامحور؛

انتظارات، فرصت‌ها و چالش‌ها در قشم؛

دکتر محمد فاضلی (جامعه شناس)

دکتر عادل پیغامی (اقتصاددان)

«مناطق آزاد» نیازمند آزادی عمل هستند

» با دیدگاه «توسعه فقط با اقتصاد گردشگری»، قشم در تله فقر می‌افتد

» مانع تراشی دستگاه‌های اجرایی از عوامل توسعه نیافتگی قشم است

» الگوی توسعه دریا پایه قشم متفاوت با سایر نقاط ایران باشد

۴و۵

گزارش

سرآمد بررسی کرد؛

ابهام در چشم‌انداز طرح‌های شیلاتی سواحل مَکُران

امید اسماعیلی

۶

یادداشت

جستاری بر مباحث محوری نشست علمی «توسعه دریامحور» در جزیره قشم؛

توسعه بر مدار دریاگریزی یا دریاگرایی؟

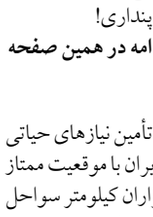

مهدی ده دار – اقتصاد دریاپایه؛ مفهومی سهل و ممتنع است، هم ترکیب واژگانی آسانی دارد برای گفتاردرمانی مدیران، هم از سویی دیگر، پیاده سازی آن نیازمند فرایندی پیچیده و چندوجهی است! متاسفانه ذهن خیلی از مدیران اقتصادی، دولتمردان و به ویژه تشکیلات حکمرانی استانی و محلی در مناطق ساحلی، همچنان پر از خالی است؛ مخصوصا اگر از دولتمردان پرسش کنید که دقیقا بهره برداری خردمندانه از دریا و عمران و آبادانی کرانه‌ها و پسکرانه‌ها، ایجاد خوشه‌های مختلف کسب و کارهای دریایی و توسعه دریامحور با چه شکلی از الگوی حکمرانی و مدل مدیریت اجرایی قرار است کام مردم را از اضلاع متکثر مکعب چندوجهی دریای توسعه، شیرین کند؟! البته این مسأله، ریشه ای فرهنگی و تاریخی دارد که نیازمند تامل بیشتر است.

در تاریخ معاصر، دهه‌ها و سده‌ها کوشش در امر پژوهش و پویشگری توسط جامعه علمی ایران که اغلب چندان نیز هم‌نشین دریا نبوده‌اند، نتوانسته از جعبه سیاه کشتی تمدنی ایران در این سرزمین افسانه‌ای، رمزگشایی کند که هر حوزه‌اش، پیشینه ای هزاران ساله دارد؛ این نقیصه، علت‌های بی شماری دارد که در این مقال نمی گنجد.

پیشتر سرمقاله‌های آتشین نقادانه و یادداشت‌های آسیب‌شناسانه بسیاری در همین روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد به نقل از صاحب نظران و کنشگران علمی و فرهنگی و اقتصادی منتشر شده است؛ بارها در همین رسانه گفته ایم که ایران امروز در سیطره طوفان عافیت افزای «خشکی اندیشی» گرفتار آمده است؛ خشکی نشینی، خشکی پوشی، خشکیی خوری، سفر در خشکی، زیستن و تفریح در خشکی و هزاران خشک رفتاری، خشک گفتاری و خشک پنداری!

ادامه در همین صفحه

ادامه از همین صفحه

این است که فرهنگ فکری و الگوی نهادینه شده رفتاری ما، خشکی گراست. آنقدر گرایش به خشکی داریم که از اقیانوس و دریا و زندگی ساحل نشینی و تفریح در دریا و سفر دریایی، اطلاعی بایسته و شایسته نداریم و به همین دلیل، برای گرایش به دریا، انگیزه چندانی نیز در فرهنگ عمومی ایرانیان و حتی بدنه نظام حکمرانی و دیوان‌سالاری، وجود ندارد.

در عرصه زیست مردمی نیز، دریاگریزی و بیگانگی با دریا، دو روی سکه توسعه نیافتگی هستند؛ شاید در مقام یک شهروند ایرانی، برای گرفتن عکس یادگاری و تولید محتوای فخرفروشانه در عرصه گردشگری، تا دم ساحل می رویم، اما کششی درونی نیست تا قاطبه شهروندان جامعه ایرانی را ببرد تا عمق دریا. یعنی گرایش و کشش ساختارمند. نهادینه شده‌ای در ژن ایرانیان امروزین به سمت دریا نیست؛ این‌ها نشانه بیماری خاموش فقر فرهنگی مبتنی بر «دریاگریزی» است. نه تنها فرهنگ گرایش به دریا در ایرانی ها کم است بلکه دریاگریزی در دی ان ای و کروموزوم اغلب ایرانیان، درونی سازی شده است. به طور کلی، دو دلیل عمده و بزرگ می تواند داشته باشد؛ اول، تلاش تاریخی استعمار برای منزوی کردن کشوری با پیشینه تمدنی شناخته شده با روش دور کردن ایرانیان از دریا. دشمنان ذاتی تمدن ایرانی، هم در عرصه ادبیات و هنر و هم در میدان رسانه و نبرد روایت‌ها، طوری فرهنگ‌سازی کردند که ایرانیان از دریا بترسند و حتی به دریا گرایش ذهنی هم نداشته باشند. زیرا، ایرانیان با داشتن سه دریای اقتصادی (خزر- خلیج فارس و عمان) و راه‌گذرهای شمال به جنوب و شرق به غرب می توانند به بالاترین حد از ثروت‌آفرینی و پیشرفت تمدنی، برسند. نظام استعماری جهانی به ویژه غربی‌ها ابتدا تلاش کردند که ایرانیان را از دریا محروم کنند و با تقسیم خاک ایران و تغییر مرزهای سیاسی در خاورمیانه، به نحوی کنشگری نمایند که مزیت دریایی ایران را در رقابت های جهانی بگیرند؛ کما این‌که هم اکنون نیز همچنان، چنین ایده‌ها و آرزوهایی را دارند. هر چند تمام و کمال، نتوانستند، اما ناموفق هم نبوده اند. بنابراین، از حربه جنگ نرم و نبرد فرهنگی استفاده کردند و موفق هم شدند.

دلیل دیگر این دریاگریزی در ادامه همان دکترین استعماری، بیگانگی و عدم گرایش ساختار حکمرانی کشور –به ویژه صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشادااسلامی و حتی ارگان‌های دریایی کشور به عنوان متولیان توسعه دریامحور- در زمینه فرهنگ‌سازی برای دریاست که سال‌هاست ادامه دارد و متاسفانه همچنان بیگانگی و بی توجهی آنان به دریا در این ارکان فرهنگ‌ساز ادامه دارد. وزارت آموزش و پرورش در این رابطه که دور از ساحل نشسته است و تقریبا تماشاچی امواج است! هزاران نهاد و ارگان فرهنگی و انجمن علمی و کانون های مرتبط با جامعه مدنی از این فعالیت دور هستند و به طور کلی، فرهنگ سازی برای بازگرداندن ایرانیان به سمت دریا، تحقیقات بدون صاحب و متولی است! بر خلاف خشکی نشینان ۷۵ میلیون نفری این سرزمین، اما برای مردمان ساحل‌نشین کمتر از ده میلیون نفری ایران، دریا به گونه‌ای دیگر معنی می‌شود. از لحظه چشم گشودن تا هنگامه‌ی مرگ، در کنار دریا زندگی کردن، این پهنه‌ی آبی را به یکی از اعضای خانواده آن‌ها تبدیل کرده است. عضوی که در روزهای شادی‌اش نان را بر سفره آن‌ها می گذارد و در روزهای غم و اندوهش، جان ستانی می کند و کشتی زندگی دریاورزان و ساحل نشینان را به مقصد اعماق تاریک خود، فرو می‌بلعد.

ایده بازگشت به دریا؛ ایده ناخدای دریاگرا

در ادامه توجهات رهبر معظم انقلاب طی دو دهه اخیر به حوزه اقتصاددریاپایه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در شانزدهم آبان ماه ۱۴۰۲ با ابلاغ سیاست های کلی توسعه دریامحور، نظام دیوان‌سالاری مملکت و کنشگران اقتصادی و فعالان مدنی را به مساله بهره برداری حداکثری از ظرفیت های حوزه اقتصاددریایه امیدوارتر از گذشته کردند.

در مفاد اصلی سیاست‌های کلی توسعه دریامحور تاکید شده است که «دریاها و خصوصاً دریاهای آزاد و اقیانوس‌ها از مواهب الهی و ذخایر و منابع سرشاری برای زمینه‌سازی رشد علم و فناوری، افزایش کار و ثروت، تأمین نیازهای حیاتی و تولید اقتدار و بستر مناسبی برای تمدن‌سازی می‌باشند. ایران با موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرارداشتن بین دو دریا و برخورداری از هزاران کیلومتر سواحل و نیز جزایر و ظرفیت‌های فراوان بر زمین مانده، لازم است با حضور مؤثر در ساحل، فراساحل، دریا و اقیانوس و بهره‌گیری از آن به عنوان یک پیشران و محور توسعه کشور، برای احراز جایگاه شایسته منطقه‌ای و جهانی در بهره‌گیری از دریا اقدام کند.

از این رو سیاست‌های کلی توسعه دریامحور بر محور ۹ شاخص اصلی، استوار است:

۱- سیاست‌گذاری یکپارچه امور دریایی و تقسیم کار ملی و مدیریت چابک و کارآمد دریا به منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دریا، برای احراز جایگاه شایسته جهانی و رتبه اول در منطقه.

۲- توسعه فعالیت‌های اقتصادی دریامحور و ایجاد قطب‌های توسعه دریایی پیشران در سواحل، جزایر و پس‌کرانه‌ها به گونه‌ای که نرخ رشد اقتصادی در حوزه فعالیت‌های دریامحور (اقتصاد دریامحور) طی ده سال همواره حداقل دو برابر نرخ رشد اقتصادی کشور باشد.

۳- تسهیل و توسعه سرمایه‌گذاری و مشارکت داخلی و خارجی با ایجاد زیرساخت‌های لازم نرم افزاری و سخت افزاری (حقوقی، اقتصادی، زیربنایی و امنیتی)

٤- تدوین طرح جامع توسعه دریامحور با پهنه‌بندی دریا، کرانه و پس‌کرانه و تعیین سهم و جغرافیای جمعیت، تجارت، صنعت، کشاورزی و گردشگری، خصوصاً در سواحل و جزایر جنوب و بالاخص سواحل مَکران با تاکید بر هویت ایرانی- اسلامی طی حداکثر یک سال پس از ابلاغ سیاست.

۵- بهره‌برداری حداکثری و بهینه از ظرفیت‌ها، منابع و ذخایر زیست بوم دریایی با ممانعت از تخریب محیط زیست دریایی بخصوص توسط کشورهای دیگر.

٦- تأمین و ارتقاء سرمایه انسانی و مدیریت متعهد و کارآمد و ایجاد پشتوانه علمی، آموزشی و پژوهشی برای توسعه دریامحور و زیست بوم نوآوری و فناوری دریایی.

۷- توسعه هم‌کاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ مقیاس و دانش بنیان زیرساختی، تولیدی و خدماتی با کشورهای همسایه و سایر کشورها به منظور بهره‌گیری از ظرفیت‌های دریایی و حضور مؤثر در معابر بین‌المللی و دستیابی به موقعیت قطب‌های منطقه‌ای.

۸- افزایش سهم کشور در حمل و نقل دریایی و ترانزیت با ایجاد و تقویت شبکه حمل و نقل ترکیبی.

۹- حمایت از سرمایه‌گذاران بومی و محلی در طرح‌های توسعه‌ای و حمایت از فعالان اقتصادی و بنگاه‌های کوچک و متوسط جوامع محلی در حوزه‌های مختلف از جمله صیادی، کشاورزی، صنعتی و گردشگری.

حکمرانی محلی دریامحور و انتظارات بی پاسخ

هر چند بیش از یکسال از ابلاغ سیاست های کلی توسعه دریامحور می گذرد و بر اساس تکالیف صورت گرفتن در این سند برای قوای سه گانه به ویژه دولت؛ همچنان اما فعالان اقتصادی و مردمان ساحل‌نشین دقیق و درست نمی‌دانند و یا شاید هم اطلاعی ندارند که سیاست و برنامه عملیاتی مشخص دولت در حوزه اقتصاد دریا، صنایع پشتیبان آن در پسکرانه‌ها برای تکمیل زنجیره تامین کالا، رونق بخشی به بخش‌های ترانزیت، حمل و نقل و لجستیک و همچنین زنجیره تولید و صادرات چیست؟

خیل گسترده‌ای از کنشگران حوزه صنعت، تجارت و اقتصاد و به ویژه اهالی کسب و کارهای دریایی و بندری، واقعا نمی‌دانند که برنامه اقدام مشخص و مدون دولت محلی یعنی استانداری و سازمان‌های توسعه‌گر از جمله مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای شکل‌گیری هندسه تحول‌آفرین اقتصاد دریاپایه چیست؟